



بررسی نقش تاریخی صنعت نفت در اشتغال اقتصاد ایران

مطالعه موردی پارادکسی اجتماعی در مورد نفت

سیدعلی رضوی^۱

هومن علوی^۲

چکیده

شواهد تاریخی اقتصاد ایران نشان‌دهنده خواست و اراده سیاست‌گران ایران برای ایجاد تحول در حوزه نفت به منظور دستیابی به هدف مشروع و والا اجتماعی توسعه اقتصادی در گذشته و حال می‌باشد. ابتلای اقتصاد ایران به بیماری هلندی نتیجه مستقیم کسب و صرف درآمدهای نفتی می‌باشد. طرح الگوی توضیح‌دهنده تبعات تاریخی خواست و اراده سیاست‌گران ایرانی در حوزه نفت، نشان‌دهنده ناکارآمدی حقوق مالکیت، کاهش امنیت اقتصادی و از میان رفتن برخی از فرصت‌های شغلی در بلندمدت در اقتصاد ایران می‌باشد.

کاهش تدریجی وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، ایجاد نگاه سرمایه‌ای به منابع نفتی، ایجاد فرهنگ کار در مقابل فرهنگ رانتی و تقویت شبکه‌های اجتماعی موجود (اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن، اتاق‌های تعاون و مجمع امور اصناف و اتحادیه‌ها) و ایجاد شبکه‌های اجتماعی نوین (اتاق فکر و مراکز هم‌اندیشی) به عنوان بخشی از شبکه تعریف و تضمین حقوق مالکیت، می‌تواند ضامن ایجاد فرصت‌های شغلی دایمی در جهت توسعه پایدار اقتصادی باشد.

کلمات کلیدی: سرمایه‌های نفتی، درآمدهای نفتی، بیماری هلندی، حقوق مالکیت.

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد طبس؛ تلفن ۰۹۱۵۵۲۲۳۷۸۱ پست الکترونیکی: E-mail: arazavi57@yahoo.com

^۲ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام؛ تلفن ۰۹۱۵۱۱۹۸۲۲۵ پست الکترونیکی: E-mail: hoomanalavi@yahoo.com



۱- مقدمه :

امروزه در طبقه‌بندی‌های نوین از عوامل تولید، انرژی در کنار عوامل تولید سنتی نیروی کار، سرمایه، مدیریت و زمین قرار می‌گیرد. پذیرش انرژی به عنوان یک عامل تولید تاثیرگذار در فرآیند تولید، نگرش متمایزی را در طراحی‌های فنی-مهندسی، اقتصادی، سیاسی، ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد نموده است. در سطح بین‌المللی، چارچوب تحلیلی انرژی شامل مثلث تقسیم کار بین‌المللی و جهانی شدن از یک سو، اقتصاد انرژی و عرضه پایدار انرژی از سوی دیگر و شدت انرژی‌بری و سیاست آب و هوا (اقتصاد محیط زیست و پیمان کیوتو) به عنوان سومین ضلع، می‌باشد.

گوناگونی دسترسی به منابع انرژی در کنار تنوع اشکال انرژی، چارچوب‌های مختلف برای تبیین سیاست انرژی کشورها در سطح ملی فراهم نموده است. با وجود این، بررسی روند تاریخی تحولات انرژی از هیزم (عصر مفرغ) به زغال سنگ (انقلاب صنعتی) و از زغال سنگ به نفت و عدم جانمایی کامل سایر انرژی‌ها (هسته‌ای، خورشیدی، بادی، هیدروژنی و غیره) به جای سوخت‌های فسیلی و به ویژه نفت، موید تاثیرگذاری طلای سیاه بر ساختار اقتصادهای ملی می‌باشد. بدین جهت تحلیل چگونگی کارکرد نفت در اقتصاد ایران دارای موضوعیت راهبردی می‌شود.

ورود نفت به اقتصاد ایران و انجام مبادلات در حوزه نفت، مانند هر مبادله‌ای، هزینه مبادله‌هایی را تحمیل می‌کند. از آنجایی که سهم بخش نفت در اقتصاد ایران قابل ملاحظه است، طبیعتاً هزینه‌های تحمیلی از حوزه نفت بر اقتصاد ایران نیز کوچک نخواهد بود. این مقاله کوشش می‌نماید با استفاده از تاثیر درونی نفت در اشتغال اقتصاد ایران، به بازشناسی و سیر تحولات یک آسیب تاریخی از ناحیه نفت بپردازد.

۲- وعده‌ها و آرزوهای سیاستگران ایران در آینه تاریخ

هدف اصلی و مستقیم تمام قراردادهای و مبادلات اقتصادی کسب حداکثر سود می‌باشد. با وجود این، یک فلسفه‌ی توجیه‌کننده، افزون بر کسب سود نیز وجود دارد که همراهی و مشروعیت اجتماعی قرارداد را به دنبال می‌آورد. به علت ماهیت شبه عمومی نفت در ایران و درآمدهای قابل توجه نفتی، فلسفه اقتصادی^۳ قراردادهای نفتی از جایگاه و اهمیت تاثیرگذاری در اقتصاد ایران در گذشته و حال برخوردار می‌باشد. بررسی روند تاریخی فلسفه‌ی اقتصادی قراردادها و شرایط حوزه نفت می‌تواند جهت‌گیری و عمق تفکر و تعمق و حتا آرزوهای انسان ایرانی را در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تبیین نماید. از این رو برخی رویدادهای پراهمیت تاریخ اقتصادی ایران از بعد داخلی مورد بازشناسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- نخستین قرارداد نافذ با موضوع استخراج نفت ایران در زمان ناصرالدین شاه هنگام صدارت مشیرالدوله با رویتر انگلیسی در سال ۱۲۵۰خ منعقد گردید. مشیرالدوله که از علاقه‌مندان تمدن غرب به شمار می‌آمد، هدف بازسازی اقتصاد

^۳ Philosophy of economics



ایران به ویژه احداث راه آهن - به عنوان مظهر توسعه اقتصادی - را در پی قرارداد رویتر دنبال می نمود. اگر چه قرارداد رویتر یک سال بعد به علت فشارهای داخلی و خارجی لغو گردید، اما طرفداران سیاست مشیرالدوله معتقد بودند که اگر قرارداد رویتر عملی می شد، کشور ایران از بدبختی و فلاکت نجات می یافت (فرشادگر، ۱۳۸۱، ص ۲۶).

۲-۲- نفوذ غرب در ایران از سال ۱۱۷۹خ با فشار نظامی روس و انگلیس و سپس اخذ امتیازات راهبردی اقتصادی آغاز گردید. پذیرش شرایط غیرمنصفانه قراردادهای گوناگون اقتصادی سبب تضعیف صنایع داخلی و در نهایت منجر به نهضت مشروطیت در سال ۱۲۸۵خ گردید. به زبان اقتصادی، پیدایش نهضت مشروطیت متأثر از تغییر پیوسته و غیرساختارمند چارچوب حقوق مالکیت^۴ می باشد. شواهد اقتصادی رخداد نهضت مشروطیت، در یک تقسیم بندی، به دو وجه نارسایی های اقتصادی درونی و بیرونی باز می گردد. هزینه های هنگفت دربار و سفرهای تجملی شاه به اروپا، دریافت مالیات های بیدادگرانه و در نتیجه افزایش تورم (به ویژه در اقلام خوراکی) و بیکاری در دسته نارسایی های درونی (فرشادگر، ۱۳۸۱، ص ۵۹) و اخذ رشوه توسط دولتمردان و تامین منافع دربار (اقلیت) به قیمت نقض منافع عمومی و چیرگی اقتصادی بیگانگان از طریق تحمیل غیرمنصفانه قراردادهای اقتصادی - نفتی و غیرنفتی - در دسته نارسایی های بیرونی قرار می گیرند. بدین جهت خواسته های مشروطه خواهان متمرکز در تبدیل نظام پادشاهی مطلقه به نظام پادشاهی مشروطه پیگیری می شد. نظام پادشاهی مشروطه افزون بر نهاد دربار، شامل قوای سه گانه مجریه، مقننه (مجلس شورای ملی) و قضاییه (عدالتخانه) می باشد، تا ساختاردهی مجدد حقوق مالکیت جهت بازتوزیع ثروت و درآمد ساده نباشد.

۳-۳- تا دهه ۱۳۲۰خ قراردادهای نفتی حول نظام واگذاری امتیاز نفت در مقابل دریافت حق الامتیاز (مبلغ ثابت) و درصدی کمی از سود خالص^۵ منعقد می گردید. هر جا نفت پیدا می شد تسلط کل زنجیره تولید از تصمیم گیری عملیات و اکتشاف تا تصفیه و حتا بازاریابی به شرکت های نفتی واگذار می شد؛ زیرا کشورهای نفتی هیچ کدام مهارت، فناوری، و شبکه های بازاریابی لازم را برای بهره برداری از منابع نفتی خویش بدون کمک خارجی نداشتند (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳، ص ۲۴۰).

تحرك رسمی در ایران^۶ برای تغییر قراردادهای امتیازی با تصویب ملی شدن صنعت نفت توسط مجلس شورای ملی (۲۴ اسفند ۱۳۲۹خ) و مجلس سنا (۲۹ اسفند ۱۳۲۹خ) و اعلام قانون ملی شدن صنعت نفت توسط محمدرضا شاه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰) آغاز گردید. عدم انطباق شرکت نفت انگلیس و ایران با شرایط نوین بازار نفت، رویارویی بین المللی را بر ایران تحمیل نمود. محمد مصدق نخست وزیر وقت هدف اقتصادی ملی شدن صنعت نفت را چنین بیان می کند: «با درآمد نفت تمام نیازهای بودجه تامین می شود. می توانیم با فقر، بیماری و عقب افتادگی مردمان مبارزه کنیم.» (فوران، ۱۳۸۰، ص ۴۲۸)، بنابراین فلسفه اقتصادی نهضت ملی شدن صنعت نفت کسب درآمدهای بیشتر نفتی از طریق بازتعریف حقوق مالکیت و رشد و توسعه اقتصادی از طریق هزینه درآمدهای نفتی می باشد.

^۴ Property rights

^۵ عایدات کشورهای نفت خیز از قراردادهای امتیازی نفت به علت عدم شفافیت ترانزنامه شرکت های نفتی دقیقاً مشخص نیست. اما بر اساس آمارهای منتشر شده درصد کل عایدات کشورهای نفتی از ۵ تا حداکثر ۲۵ درصد با توجه به درجه وابستگی دولتمردان به خارجیان، نفوذ شرکت های خارجی در هیات حاکمه و شرایط بین المللی در نوسان بوده است.

^۶ شرکت های نفتی آمریکایی قبلاً قرارداد تقسیم سود بر مبنای پنجاه-پنجاه و ونزولارا در اواخر دهه ۱۳۲۰خ امضاء کرده بودند.



همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و برکناری نخست وزیر مصدق پایانی بر نهضت ملی شدن نفت نبود. ایران توانست با عقد قرارداد با کنسرسیوم، اعمال حاکمیت بر منابع ملی نفت را عینیت بخشد و در عین حال منافع قراردادهای پنجاه-پنجاه را دریافت نماید (فوران، ۱۳۸۰، ص ۴۶۳).

۲-۴- جهش درآمدهای نفتی ایران بدون افزایش تولید در سال ۱۳۵۳خ به وقوع پیوست.^۷ درآمدهای نفتی، تفکر احیای اقتصاد ایران را مجدداً پیش کشید. شرایط دو قطبی جهان ناشی از جنگ سرد، شرایط ژئوپولیتیک ایران و منافع اتحاد راهبردی در رشد و توسعه اقتصادی منجر به اتخاذ الگوی توسعه مبتنی بر درهای باز اقتصادی توسط سیاستگران ایرانی گردید. چشم‌انداز انتقال ایران از حاشیه‌ی اقتصاد جهانی به متن اقتصاد جهانی^۸ زیر عنوان «پیش به سوی تمدن بزرگ شرق» تعریف گردید. بر اساس چشم‌انداز پیش به سوی تمدن بزرگ شرق، اقتصاد ایران برای دستیابی به هدف کمی «پنجمین قدرت صنعتی دنیا» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۳۷۶) تلاش می‌نمود.

۲-۵- مصاحبه رایزن اقتصادی آیت‌آ... خمینی با روزنامه پاریس: «نخستین اقدامی که در صورت داشتن مسوولیت اقتصادی کشور انجام خواهم داد، ملی کردن واقعی نفت ایران است ... برای داخلی کردن مرکز تصمیم‌گیری اقتصاد ایران، باید طبیعت واردات را دگرگون و نفت را به سیاست عمرانی پیوند داد.» (روزنامه کیهان، ۱۴ بهمن ۱۳۵۷). انقلاب ۱۳۵۷خ با ساقط کردن نظام پادشاهی پهلوی عینیت یافت. بر طبق اعتقاد اقتصادی انقلابیون؛ با لغو قراردادهای پرهزینه خرید تسلیحات نظامی، تعطیل هزینه‌های درباریان، اخراج مستشاران خارجی با حقوق‌های گزاف و غیره، درآمد نفت ضامن رفاه و آبادانی کشور می‌گشت. چنانچه وزیر امور اقتصاد و دارایی برنامه اقتصادی دولت موقت را چنین تشریح می‌کند: «ما درصددیم درآمد نفت در انحصار کارهای تولیدی، بهبود وضع اقتصادی و رشد مملکت باشد.» (روزنامه کیهان، ۵ اسفند ۱۳۵۷). سایر وزیران دولت موقت نیز بر اساس فلسفه درآمدهای «هنگفت» نفتی بارها نوید برق مجانی، آب مجانی و لغو عوارض می‌دادند.

توزیع عادلانه‌تر ثروت‌ها، عدالت‌خواهی و محرومیت‌زدایی با احترام به جایگاه خاص مستضعفان بخشی از مطالبات و برنامه‌های تحول‌آور اقتصادی انقلابیون را تشکیل می‌داد. در این میان نفت، نقش مهمی برای تحقق اهداف بنیادین انقلابیون ایفا می‌نمود. اعتقاد و برآورد انقلابیون از نیازهای درآمدی و هزینه‌ای دولت منتج به نفی، اخراج و ممانعت از انجام کار سرمایه‌گذاران خارجی و کاهش ۵۰ درصدی صادرات نفتی (رزاقی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴) با لحاظ عدم برخورداری از توان فنی ارزشمند داخلی و حفظ ثروت نفت برای نسل‌های آینده، گردید. بنابراین کسب و صرف بخشی از درآمدهای صنعت نفت جهت توزیع در اهداف توسعه اقتصادی کافی و منطبق بر معیارها و فلسفه اقتصادی انقلابیون قرار داشت.

۲-۶- تبلیغات نامزدهای انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، در بهار ۱۳۸۴خ، در شرایطی آغاز شده بود که درآمدهای نفتی ایران با همان سطح تولید گذشته نسبت به سال‌های قبل از رشد چشمگیری برخوردار بود. محمود

^۷ درآمدهای نفتی ایران بدون افزایش تولید در سال ۱۳۵۳خ چهار برابر درآمد سال ۱۳۵۲خ گردید (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۳۶۶).

^۸ اقتصادهای ملی در سه دسته حاشیه‌ای، نیمه حاشیه‌ای و متن اقتصاد جهانی طبقه‌بندی می‌شوند.



احمدی نژاد - نامزد و پیروز نهایی انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری - مهمترین برنامه دولت خود را تغییر ساختار اقتصادی کشور معرفی می کرد. بر طبق برنامه اقتصادی محمود احمدی نژاد، انجام مدیریت مجدد و کارآمد درآمدهای نفتی منجر به ارتقاء کیفیت زندگی اقتصادی شهروندان ایرانی به شکل عینی و قابل لمس می گردید.

ارایه شش شاهد تاریخی از ادوار مختلف سیاسی نشان دهنده‌ی خواست دولتمردان ایران برای ایجاد تحول در حوزه نفت می باشد. منظور اکثر دولتمردان ایران از کسب و صرف درآمدهای نفتی دستیابی به یک هدف مشروع و والا اجتماعی - یعنی توسعه اقتصادی - در گذشته و حال می باشد. همچنین، اعتقاد و باورمند بودن به خاصیت معجزه آسای نفت و نوشداروی هر نوع عقب ماندگی تاریخی در توسعه اقتصادی ایران، شاخصه مشترک بسیاری از سیاستگران ایرانی بوده است. با وجود این، امروزه با گسترش علم اقتصاد و شناسایی بیماری هلندی^۹ مشخص شده است که نمی توان با استفاده بلندمدت از درآمدهای نفتی به توسعه اقتصادی پایدار دست یافت و این دقیقاً پارادکسی اجتماعی در مورد نفت است.

۳- مفهوم و ساختار بیماری هلندی

عنوان بیماری هلندی نخستین بار از اواسط دهه ۱۹۷۰م وارد ادبیات اقتصادی گردید. این بیماری حالتی از عملکرد ناصحیح اقتصادی است که اولین بار در دهه ۱۹۶۰م در اقتصاد هلند^{۱۰} شناسایی گردید. همگام با کشف گاز طبیعی در هلند و کسب درآمدهای ارزی قابل ملاحظه، در طی زمان منجر به تقویت ارزش واقعی نرخ برابری ارز (فلورن هلند) گردید (سالواتوره، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳). اما با تقویت تدریجی ارزش واقعی نرخ برابری ارز از قدرت نسبی رقابت سایر بخش های اقتصادی هلند کاسته می شد. کارشناسان اقتصادی زمانی به تشخیص بیماری هلندی پرداختند که در کنار بهبود تراز پرداخت ها و تقویت ارزش نرخ برابری ارز به عنوان علامت دهنده های مثبت اقتصادی، علامت دهنده های منفی اقتصادی آهسته آهسته با افزایش نرخ بیکاری، افزایش نرخ تورم و کاهش نرخ رشد اقتصادی خودنمایی می کردند. بررسی کارشناسان اقتصادی منجر به شناسایی و معرفی بیماری هلندی گردید.

سازوکار بیماری هلندی در یک اقتصاد دو بخشی شامل: الف) بخش کالاهای قابل تجارت و ب) بخش کالاهای غیرقابل تجارت، از بخش کالاهای قابل تجارت و با جهش صادرات مواد معدنی با نرخ سود نسبی بالا آغاز می شود. افزایش درآمدهای ارزی و بهبود تراز پرداخت ها منجر به تقویت ارزش واقعی نرخ برابری ارز می شود. اما به دلیل نرخ سود نسبی بالا برای تجارت جدید، تقویت ارزش واقعی نرخ برابری ارز با سرعت بیشتری اتفاق می افتد. تقویت پول ملی باعث تقلیل قدرت نسبی و غیررقابتی شدن بخشی از کالاهای قابل تجارت، کاهش صادرات غیرمعدنی و افزایش واردات غیرمعدنی می شود. اگر چه با گسترش تولید و صادرات مواد معدنی و افزایش واردات غیرمعدنی اشتغال در بخش کالاهای قابل تجارت افزایش و فرصت های شغلی کاهش می یابد، اما با کاهش صادرات غیرمعدنی در مجموع نرخ بیکاری در بخش کالاهای قابل

^۹ Dutch disease

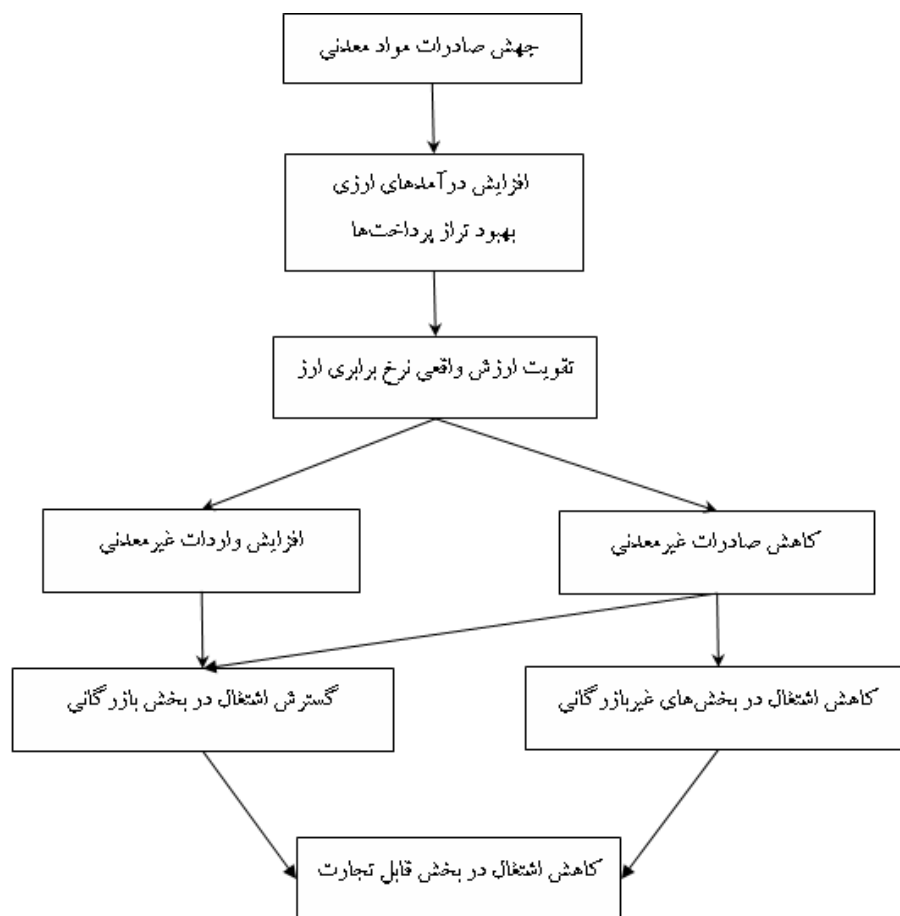
^{۱۰} بروز بیماری دارای سابقه های دیرین می باشد، مثلاً در قرن ۱۶م و در دوران رونق اقتصادی اسپانیا و پرتغال.



تجارت رو به افزایش می‌گذارد؛ زیرا تولیدات معدنی نسبت به تولیدات غیرمعدنی سرمایه‌بر هستند و کاهش اشتغال در بخش تولیدات غیرمعدنی نمی‌تواند توسط افزایش اشتغال در بخش تولیدات معدنی جبران شود (شکل ۱). افزون بر این، ایجاد و تشدید دوگانگی در بازار کار منجر به دگرگونی ساختار بازار کار می‌شود.

مهمترین تاثیر افزایش نقدینگی ناشی از صادرات مواد معدنی در بخش غیرقابل تجارت، افزایش قیمت‌ها است؛ زیرا بخشی از افزایش نقدینگی که وارد بخش غیرقابل تجارت می‌شود، طرف عرضه را تقویت می‌کند. این در حالی است که به علت طبیعت کالاهای غیرقابل تجارت، معمولاً طرف عرضه نمی‌تواند خود را با طرف تقاضا مطابقت دهد. شدت فشار تقاضا، با توجه به شرایط موجود، شدت تورم را رقم می‌زند.

کاهش قدرت نسبی و نرخ سود در بخش قابل تجارت منجر به کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین در بلندمدت، تورم در بخش غیرقابل تجارت به عنوان عامل ضدبرنامه‌ریزی نیز سبب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری در دو بخش قابل تجارت و غیرقابل تجارت منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی می‌شود (همانطور که در اقتصاد هلند رخ داد). البته کاهش نرخ رشد اقتصادی به عنوان یک پدیده منفی برای تمام اقتصادهای مبتلا به بیماری هلندی به ظهور نمی‌رسد. مقیاس یک اقتصاد و سهم درآمدهای ارزی ناشی از صادرات مواد معدنی، جهت و مقدار تغییر نرخ رشد اقتصادی در شرایط بیماری هلندی را مشخص می‌کند.



شکل ۱: ساختار بیماری هلندی در بخش قابل تجارت اقتصاد دو بخشی

همچنان که ورود یک باکتری یا ویروس مضر به درون بدن منجر به مرض یا بیماری می شود، ورود درآمدهای ارزی ناشی از جهش صادرات مواد معدنی نیز منجر به بیماری هلندی می شود. با ساختاری مشابه، همانطور که مرضی مدت مدیدی در بدن بیمار جای گیرد، در طبقه امراض مزمن^{۱۱} قرار داده می شود، ابتلای بلندمدت یک اقتصاد به بیماری هلندی سبب شکل مزمن این بیماری می گردد. بیماری اقتصادی ایران نیز به علت موانست طولانی با درآمدهای نفتی، ساختاری مزمن یافته است. به همین سبب آثار و علایم و نحوه پرهیز و درمان بیماری اقتصادی ایران با یک بیماری هلندی ساده تفاوت دارد.

۴- سازوکار بیماری هلندی در اقتصاد ایران

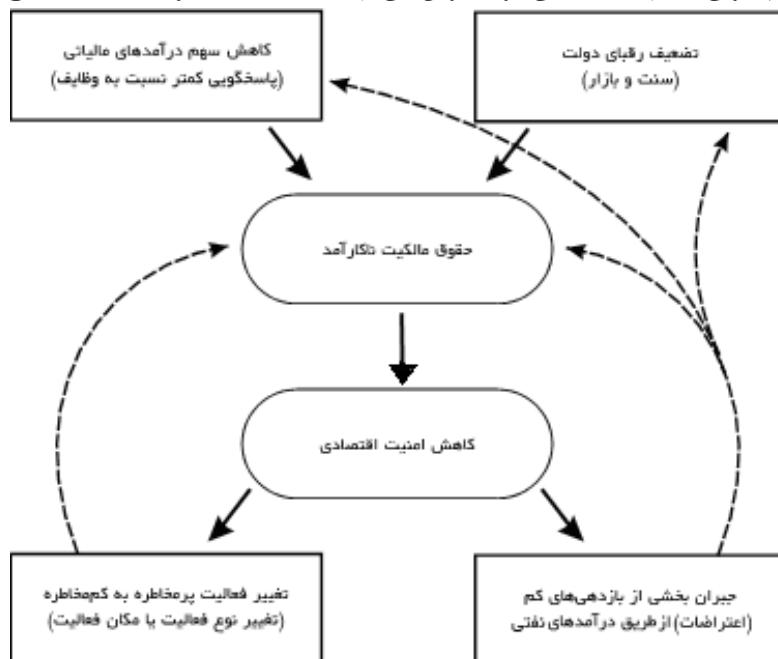
به شهادت تاریخ اغلب سیاستگران ایرانی مبنای فلسفه قراردادها و تحولات در حوزه نفت را بر توسعه و آبادانی قرار می دادند و نقش ویژه ای برای دولت قایل می شدند. به همین سبب اندیشه های دولتمدارانه منهای مردم به شکل نهادینه و

^{۱۱} Chronic



ساختارمند در فکر و جان انسان ایرانی جای می‌گیرد. از سوی دیگر با ظهور تاثیرات منفی درآمدهای نفتی (بیماری هلندی)، وظایف ذاتی حاکمان کم‌رنگ می‌شود و دولت خود را با دغدغه‌های متأثر از بازتوزیع درآمدهای نفتی مواجه و بعضاً سرگرم می‌سازد. اعتقاد و باورمند بودن سیاستگران ایرانی به تأثیرگذاری عمیقاً مثبت درآمدهای نفتی در توسعه اقتصادی، علی‌رغم تبعات گوناگون در کوتاه‌مدت، چه کارکرد تاریخی در اقتصاد ایران پدید آورده است؟ در این بخش تلاش می‌شود تا الگوی نظری بنیادین اقتصادی و در عین حال ساده، برای تبیین عملکرد تاریخی اقتصاد ایران ارائه شود تا امکان رهیافتی از بیماری مزمن اقتصاد ایران با رویکرد به بازار کار و اشتغال به دست آید.

الگوی اقتصاد ایران با پذیرش دولت با اولویت وظیفه مرسوم (کلاسیک) ایجاد امنیت اقتصادی از طریق تعریف، اجرا و نظارت حقوق مالکیت آغاز می‌شود. دولت به عنوان کارگردان حوزه حقوق مالکیت در کنار بازیگری سنت و بازار مبادرت به استقرار کارآمد قواعد بازی در اجتماع می‌کند. در عین حال دولت به عنوان بزرگترین نهاد نهادساز مخارج خود را از طریق وصول انواع مالیات دریافت می‌کند. دولت با پاسخگویی در مورد نحوه کارکرد خود به جامعه مورد قضاوت عمومی قرار می‌گیرد. نسبت دادن نمره عدم قبولی منجر به جانشینی دولت نوین می‌گردد، تا ناکارآمدی دولت گذشته اصلاح شود.



شکل ۲: فرآیند کاهش امنیت اقتصادی و پایداری حقوق مالکیت ناکارآمد (منبع: نظری و علوی)

کشف نفت و پذیرش مالکیت دولت بر منابع و درآمدهای نفتی، به تدریج موجب استقلال نسبی دولت در بعد مالی (دولت رانتیر) از مردم می‌گردد. در عین حال، ظهور بیماری هلندی موجب کاهش بازده اقتصادی در بخش‌های سنتی قابل تجارت (کشاورزی و صنعت) و از میان رفتن برخی از فرصت‌های شغلی می‌شود. اعتراضات مداوم مشاغل در معرض خطر



موجب پذیرش حمایت‌گری بیشتر دولت از سوی سنت و بازار می‌گردد. پذیرش حمایت‌گری دولت، در حالی که دولت در طی زمان استقلال مالی بیشتری می‌یابد منجر به ناکارآمدی بیشتر چارچوب حقوق مالکیت در بخش‌های تعریف، اجرا و حتما نظارت می‌شود. زیرا از یک سو بخشی از چارچوب حقوق مالکیت که توسط سنت و بازار به شکل کارآمد حفظ می‌گردید، با تضعیف جایگاه آنها به سمت ناکارآمدی سوق می‌یابد. از دیگر سو به سبب استقلال نسبی مالی دولت، استقرار دولت‌های کارآمدتر به علت پاسخگویی کمتر دولت با دشواری‌های بیشتری همراه می‌گردد (نظری و علوی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۴)، و دولت امکان می‌یابد نسبت به انجام وظایف مرسوم خود کوتاهی کند (شکل ۲). تکرار این فرآیند در طی زمان موجب استقرار حقوق مالکیت ناکارآمد و از میان رفتن بسیاری از مشاغل و تخصص‌ها می‌شود.

بر اساس شواهد تاریخی اقتصاد ایران، فرآیند استقرار تدریجی حقوق مالکیت ناکارآمد - از کشف نفت در ایران افزون از ۱۰۰ سال می‌گذرد - و سیاست دولت برای جبران بخشی از خسارت‌های شغلی منتج به استقرار فرهنگ تقسیم و تسهیم درآمدهای نفتی (رانت‌جویی و رانت‌خواری) از سوی نهاد نهادساز دولت گردیده است. در عین حال، در نبود نقش و عملکرد مطلوب سنت و بازار (اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن، اتاق‌های تعاون و مجمع امور اصناف و اتحادیه‌ها) در استقرار حقوق مالکیت کارآمد، دولت برای فهم و مهار تاثیرات منفی ورود درآمدهای نفتی - به طور ویژه تورم - به کمک ابزارهای غیراقتصادی به «تولیدکنندگان بی‌انصاف» اعلام جنگ می‌دهد. ایجاد خشونت دولت برای مهار تاثیرات منفی ورود درآمدهای نفتی ضمن تضعیف عقلانیت و ضرورت در استقرار حقوق مالکیت کارآمد و نهادینه شدن اندیشه‌های بیمارگونه در اقتصاد ایران، موجب گسترش بیشتر رانت، رانت‌جویی و رانت‌خواری در کنار دولت رانتیر می‌گردد.

استفاده از درآمدهای نفتی مشابه بکارگیری چند دُر مرفین برای تسکین درد است. هنگامی که مصرف مرفین در طولانی مدت ادامه یابد، خود تبدیل به دردی می‌شود و مسکنی دیگر می‌باید یافت. بدین جهت معمای اقتصاد ایران با استفاده از دو کلید در بخش‌های نفتی و غیرنفتی جستجو می‌شود.

۵- مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی (توسعه پایدار)

توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پایدار یا به طور خلاصه توسعه پایدار در یک تعریف عبارت از فرآیندی است که طی آن مبانی علمی و فنی تولید به شکلی درون‌زا از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول شوند، به شرطی که به توسعه نسل‌های آینده لطمه‌ای وارد نسازد. در توسعه پایدار علاوه بر برنامه‌ریزی بلندمدت تمام دارایی‌ها (اقتصادی، انسانی و اجتماعی)، مقدار کلی آنها نیز مرتباً افزایش می‌یابد (نظری و علوی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶). بدین جهت در اقتصاد ایران تغییر نگرش درآمدی به نگاه سرمایه‌ای (ثروت) در مورد نفت، ابتدایی‌ترین قدم برای نیل به توسعه پایدار می‌باشد.

به دیگر سخن، با توجه به الگو ارایه شده (شکل ۲) در ایران فلسفه توسعه اقتصادی مبتنی بر تولید ثروت آگاهانه (علم و آگاهی) مغلوب توسعه اقتصادی نفتی - مبتنی بر تولید ثروت جاهلانه - بوده است. بدین جهت سیاست‌های دوره گذار اقتصادی به یک اقتصاد غیرنفتی از اهمیت و اولویت بالاتری برخوردار می‌باشد.



از تبیین ویژگی‌ها و مزایای یک اقتصاد بدون نفت به طوری که بتواند متضمن گسترش و پایداری مشاغل - به خصوص در بخش صنعت - شود، از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار می‌باشد. با وجود این، برخی از شواهد تاریخی اقتصاد ایران نشان می‌دهد نظریه‌ی اقتصاد بدون نفت با جبهه‌ای قدرتمند از نیروها برای دریافت درآمدهای نفتی جهت رشد و توسعه اقتصادی تا امروز مواجه می‌باشد.

۵-۱- نقش دولت در مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی

برنامه توسعه‌ای (پایدار) اقتصاد ایران با توجه به الگو ارائه شده (شکل ۲) از طریق بازتعریف وظیفه و حیطه قدرت دولت در ارتباط با حقوق مالکیت و ارتقاء جایگاه و اولویت این وظیفه در صدر وظایف دولت (وظایف مرسوم) و جدا نمودن تدریجی درآمدهای نفتی از بودجه دولت انجام می‌پذیرد. با بهبود جایگاه حقوق مالکیت، فعالیت بنگاه‌ها - به ویژه در بخش غیرنفتی - توجیه اقتصادی می‌یابد و همزمان نیاز دولت به منابع مالی به تدریج از مالیات‌ها تامین می‌شود. گسترش فعالیت‌ها در بخش غیرنفتی موجب تغییر ساختار بازار کار در جهت ارتقاء سرمایه انسانی (تحصیل و تجربه) و کارایی (نوآوری، اختراع و اکتشاف) می‌گردد.

۵-۲- نقش بازار و سنت در مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی

اگر چه بعد از جنگ جهانی دوم دولت‌ها کارگردان اصلی تعریف و تضمین حقوق مالکیت شناخته می‌شوند، با این وجود نقش بازار و سنت در کارآمدی حقوق مالکیت کاملاً بنیادین است. در ساختار حکومتی مدیسونی (تفکیک قوا شامل نهاد رهبری، قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه) اندیشه‌های بنیادین حقوق مالکیت از طریق خواست و اراده مردم (سنت‌ها و بازارهای غیرمتشکل) در بازارهای متشکل (اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن، اتاق‌های تعاون، اتحادیه‌ها و اصناف) چارچوب‌بندی و در نهایت توسط دولت به عنوان نماینده آحاد مردم به کل جامعه تسری می‌یابد. پذیرش و تقویت جایگاه سنت و بازار موجب افزایش امنیت شغلی برای شهروندان ایرانی و در عین حال کاهش دخالت و هزینه‌های دولت بر جامعه می‌شود.

۵-۳- راه کارهای مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی

راه کارهای مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی مستلزم همکاری مبتنی بر منافع متقابل دولت با بازار و سنت است. با توجه به الگوی ارائه شده و عدم وجود راه میان‌بر برای دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، دو بسته راه کار ارائه می‌شود. در بسته اول، مقدمات نهادی - قانونی و در بسته دوم، مقدمات سازمانی - اجرایی طرح می‌گردد. علاوه بر این، با پذیرش احتمال جانشینی گاز یا سایر مواد معدنی به جای نفت، راه کارهای راهبردی با لحاظ وابستگی‌های جدید در آینده ارائه می‌شود.

الف) مقدمات نهادی - قانونی:

۱- تبدیل رویای شیرین کسب درآمدهای نفتی به کابوس درآمدهای نفتی در فرهنگ و اندیشه انسان ایرانی.



همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

- ۲- قرارداد و پذیرش نهاد کار و تلاش به جای راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و میان‌بر، به طوری که نقش نفت از یک بازیگر کلیدی در اقتصاد ایران محو گردد.
- ۳- حذف متغیر تصمیم‌ساز «دولت حمایت‌گر» از تابع تصمیم‌گیری بخش خصوصی و سایر کارگزاران اقتصادی دولتی و غیردولتی.
- ۴- کاهش همبستگی معنادار بین نفت و محبوبیت سیاسی (از طریق مجمع احزاب) جهت عدم تمرکز و تغییر اشتیاق سیاستگران به نفت و درآمدهای نفتی.
- ۵- ایجاد ادبیات اقتصادی کارآمد به طوری که اقتصاد بدون نفت یک فلسفه اقتصادی تجملاتی غیرضروری تعبیر نشود.
- ۶- گنجانند مفاد قانونی در چشم انداز کشور برای الزام کاهش سهم درآمدهای غیرمالیاتی دولت (اجرای برنامه پاک نمودن بودجه دولت از درآمدهای غیرمالیاتی) در بودجه عمومی.

(ب) مقدمات سازمانی - اجرایی:

- ۱- افزایش آموزش عمومی در کنار منابع آگاهی دهنده برای تبیین نقش ضدارزشی و گمراه‌کننده‌ی نفت در راه رسیدن به توسعه پایدار اقتصادی (فریب نفت).
- ۲- تاسیس اتاق فکر و مراکز هم‌اندیشی متشکل از نمایندگان اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن، اتاق‌های تعاون و مجمع امور اصناف و اتحادیه‌ها به طوری که سیاست‌های اقتصادی دولت با تعامل با اتاق فکر و در جهت کاهش تصدی‌گری دولت صورت گیرد.
- ۳- فراهم شدن ابتدایی‌ترین امکانات (مسکن، غذا، امکانات تحصیلی و پزشکی) از طریق درآمدهای مالیاتی تا فرهنگ تقاضا برای درآمدهای نفتی به تدریج تعدیل شود.
- ۴- عقد قراردادهای خارجی برای سرمایه‌گذاری در داخل و خارج از کشور به طوری صرفاً تأمین منابع پولی و نیروی کار از سوی ایران باشد و خرید عوامل تولید غیر از نیروی کار از خارج از مرزهای ایران صورت پذیرد.



۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقتصاد نیروی کار از یک سو پیرامون چگونگی گزینش فرصت‌های شغلی از طرف مردم دور می‌زند و از سوی دیگر به عوامل موثر بر خلق فرصت‌های شغلی توجه می‌نماید. در این میان نقش دولت در کنار سایر کارگزاران اقتصادی به جهت فراهم نمودن بستر کارآمد برای ایجاد مشاغل دائمی از طریق تعریف و تضمین حقوق مالکیت بنیادین می‌باشد. در ایران علاوه بر تحلیل‌های حوزه اقتصاد کار، نحوه رفتار و عملکرد سیاست‌گران با وجود موهبت نفت نیازمند بازشناسی می‌باشد.

بر طبق شواهد تاریخی، «خیرخواهی» حاکمان ایران زمین از کسب و صرف درآمدهای نفتی در توسعه و آبادی مشهود می‌باشد. بازبینی و تامل در مورد «خیراندیشی» آنها با استفاده از آگاهی‌ها و داشته‌های علمی نوین با هدف آموزندگی و در عین حال گشایش موانع امروزی ضروری می‌نماید. شناخت پارادکس «خیرخواهی» و «خیراندیشی» سیاست‌گران ایران زمین در کنار تبیین بیماری هلندی و طرح الگوی توضیح‌دهنده در مورد سازوکار بیماری هلندی در اقتصاد ایران، امکان آرایه رهیافتی برای بهبود و ارتقای اشتغال و قواعد بازار کار فراهم می‌نماید.

گرایش دولت‌های با پشتوانه درآمدهای نفتی برای اعمال سیاست‌های اقتصادی حمایت‌گرانه از تولیدات صنعتی و کشاورزی متکی بر فناوری‌های برون‌زا در کنار گسترش بخش خدمات منجر به تغییر ساختار بازار کار می‌گردد. در گستره زمانی میان مدت (چهار تا هفت ساله) با بروز بیکاری در بخش قابل تجارت و تورم در بخش غیرقابل تجارت آثار بیماری هلندی هویدا می‌شود. علاوه بر آثار عیان بیکاری و تورم، ابتلای مزمن و بلندمدت به بیماری هلندی وظیفه اساسی دولت در تعریف و تضمین حقوق مالکیت را مخدوش می‌نماید؛ به طوری که ایجاد فرصت‌های شغلی دائمی به علت کاهش ضریب امنیت اقتصادی - اثر ثانوی بیماری هلندی - مرتباً سیر نزولی می‌پیماید.

تغییر نگرش از درآمدی به سرمایه‌ای در مورد موهبت نفت، آغازی برای تبدیل آثار زیان‌بخش به آثار سودبخش اقتصاد نفتی می‌باشد. کاهش تدریجی وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، ایجاد نگاه سرمایه‌ای به منابع نفتی، ایجاد فرهنگ کار در مقابل فرهنگ رانتی و تقویت شبکه‌های اجتماعی موجود (اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن، اتاق‌های تعاون و مجمع امور اصناف و اتحادیه‌ها) و ایجاد شبکه‌های اجتماعی نوین (اتاق فکر و مراکز هم‌اندیشی) به عنوان بخشی از شبکه تعریف و تضمین حقوق مالکیت کارآمد، می‌تواند ضامن ایجاد فرصت‌های شغلی دائمی در جهت توسعه پایدار اقتصادی باشد.



۷- منابع و مأخذ :

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۰). ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر. مترجمان احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی. چاپ ششم، تهران، نشر نی.
- بهنود، مسعود. (۱۳۷۸). ما می‌مانیم: مجموعه مقالات دهه‌ی هفتاد [خورشیدی]. چاپ دوم، تهران، نشر علم.
- رابرتز، پال. (۱۳۸۶). پایان نفت در آستانه جهان پرمخاطره نو. مترجم احمد عظیمی بلوریان. چاپ اول، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی: مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.
- رزاقی، ابراهیم. (۱۳۷۶). آشنایی با اقتصاد ایران. چاپ اول، تهران، نشر نی.
- سالواتوره، دومینیک. (۱۳۸۳). مالیه بین‌الملل: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل. مترجم حمیدرضا ارباب. چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۸). ایران امروز در آینده‌ی مباحث توسعه: برای حل بحران‌های کوتاه و بلندمدت اقتصادی کشور چه می‌توان کرد؟. چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فرشادگهر، ناصر. (۱۳۸۱). سیری در قراردادهای نفتی ایران. چاپ اول، تهران، پژوهشکده امور اقتصادی.
- فوران، جان. (۱۳۸۰). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب. مترجم احمد تدین. چاپ سوم، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. مترجمان محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. چاپ پنجم، تهران، نشر مرکز.
- کینزر، استیون. (۱۳۸۳). همه مردان شاه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. مترجم لطف‌آ... میثمی. چاپ اول، تهران، صمدیه.
- لارسون، توماس و اسکیدمور، دیوید. (۱۳۸۳). اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب قدرت و ثروت. مترجمان احمد ساعی و مهدی تقوی. چاپ سوم، تهران، نشر قومس.
- نظری، علی‌اکبر و علوی، هومن. (۱۳۸۶). اقتصاد کلان. چاپ اول، مشهد، کنکاش دانش.
- نورث، داگلاس. (۱۳۷۹). ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی. مترجم غلامرضا آزاد (ارمکی). چاپ اول، تهران، نشر نی.